فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال هفتم / شماره ۲۸/ زمستان ۱۳۹۷

شناسایی و بررسی روابط درونی بین عوامل مؤثر براستقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

محمدعلی بیداری
دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس بین المللی کیش دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
Bidari@ut.ac.ir

رضوان حجازی
استاد گروه حسابداری، دانشگاه الزهراء
Hejazi33@gmail.com

بیتا مشایخی
دانشیار حسابداری، دانشگاه تهران
Mashaykhi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۰۷

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و ارزیابی روابط درونی بین عوامل مؤثر بر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش صورت گرفته است. از نظر دسته‌بندی تحقیقات برحسب هدف یک تحقیق کاربردی می‌باشد، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی- غیرآزمایشی است و در میان انواع روش‌های تحقیق، از نوع تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق، ابتدا شاخص‌های اثربخشی کمیته حسابرسی از طریق جستجو در متون مربوطه و به صورت مروری کشف و سپس با استفاده از متدولوژی نظریه داده‌بنیاد[1] که یک روش کیفی می‌باشد، از طریق مصاحبه عمیقبا ۶ نفر از خبرگان، پس از به دست آمدن معیارهای اصلی تحقیق، به منظور به دست آوردن زیرمعیارها ادامه یافته است. براساس مطالعات صورت گرفته معیارهای اصلی تحقیق عبارتند از فرآیند کمیته حسابرسی، محیط کلی حاکمیت شرکتی، تخصص، قدرت، استقلال و منابع. همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد دیمتل[2] صورت گرفته و پس از آن از روش ای.ان.پی[3] به منظور ارزیابی روابط درونی بین معیارها استفاده شده است. براساس نتایج تحقیق تأیید شد، معیار منابع از بیشترین تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و تعامل برخوردار است. معیارهای قدرت، استقلال و منابع،تأثیرگذار و معیارهای محیط کلی حاکمیت شرکتی، فرآیند کمیته حسابرسی و تخصص،بیشترین تأثیرپذیری را دارند.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابرسی، حاکمیت شرکتی، روابط درونی، نظریه داده‌بنیاد، رویکرد دیمتل، تکنیک ای.ان.پی

Archive of SID
www.SID.ir

۱- مقدمه

کمیته‌های حسابرسی یک بخش ارزشمند و مکمل از فعالیت‌های حاکمیتی در سازمان‌ها هستند و وجود آن‌ها به عنوان یک ساختار نظارتی، عنصر مهمی در حاکمیت شرکتی خوب محسوب می‌شود. حاکمیت شرکتی خوب تصویر سازمان را بهبود می‌بخشد و در زمینه حرکت به سمت بهبود عملکرد و پاسخگویی، مشارکت ارزشمندی را فراهم می‌کند (چاکا[۴]، ۲۰۱۳).

بر اساس مطالعه وان در نست[۵] (۲۰۰۶)، مفهوم کمیته حسابرسی، برای اولین بار توسط شرکت راه آهن غرب در دهه ۱۹۷۰ در انگلستان مطرح شد و در دهه ۱۹۹۰ به دلیل ورشکستگی و اضمحلال شرکت‌های بزرگ چند ملیتی در آمریکا، جایگاه مهم و برجسته‌ای را به خود اختصاص دادند (مارکس[۶]، ۲۰۰۸).

دغدغه‌های مرتبط با عملکرد مناسب‌نظام بانکی و تحقق مفهوم حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از سوالات را در زمینه اثربخشی مکانیزم‌های نظارتی یک بانک ایجاد می‌نماید. فاما[۷] (۱۹۸۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که قابلیت اعتماد و شفافیت عملکرد یکشرکت یا بنگاه اقتصادی به مکانیزم نظارتی داخلی آن شرکت بستگی دارد. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی اثربخش (مانند کمیته‌های حسابرسی) حقوق سرمایه گذاران را در دستیابی به اهدافشان از جمله داشتن اطلاعات درست و منصفانه از وضعیت بنگاه‌های اقتصادی تضمین می‌نماید (رحمان و علی[۸]، ۲۰۰۶). یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی سطح بالا، کمیته حسابرسی است چرا که بسیاری از وظایف مهم نظارتی توسط هیات مدیره به کمیته حسابرسی واگذار می‌شود. به همین دلیل لزوم تقویت و توسعه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (از جمله اثربخشی کمیته‌های حسابرسی) مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بانک‌ها در نظام اقتصادی نقش مهم و کلیدی بر عهده دارند. از طرفی کیفیت حاکمیت اثر مستقیمی بر تحقق اهداف نظام بانکی دارا می‌باشد. یکی از ارکان کیفیت حاکمیت شرکتی، استقرار کمیته حسابرسی و اثربخش بودن عملکرد آن است. به هر حال بانک‌ها و سایر موسسات مالی وظیفه دارند منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی را فراهم نمایند، معاملات مختلف را تسهیل نموده و مجموعه متنوعی از خدمات دیگر را عرضه نمایند و همین مساله موقعیتبانک‌ها را در اقتصاد در جایگاه بسیار مهمی قرار می‌دهد. یک حاکمیت خوب در نظام بانکی اثرات منفی مرتبط با فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را کنترل می‌نماید. در این بین، اعتماد به عنوان یک عنصر کلیدی برای عملکرد مناسب بانک‌ها محسوب می‌شود. به عبارت دیگر "موقعیت و فضای اعتماد" که بانک‌ها و سایر موسسات مالی در جامعه ایجاد می‌کنند، آنان را از سایر بنگاه‌ها و موسسات غیر مالی متفاوت می‌کند. (تریلر[۹]، ۲۰۰۷).

برای دستیابی به مفاهیم مهم و اساسی حاکمیت شرکتی، وجود رکنی جهت ایجاد ارتباط بین اعضاء گروه‌های حاکم ایجاد کمیته‌ای تحت عنوان کمیته حسابرسی پیشنهاد گردیدهاست؛ که هدف اصلی آن کمک به هیأت مدیره جهت انجام وظایف خود می‌باشد. در این زمینه سه وظیفه اصلی برای افزایش اعتماد درباره قابلیت اعتماد و عینیت اطلاعات مالی منتشر شده، همکاری با اعضاء هیأت مدیره درجهت تحقق مسئولیت‌های مالی و بالابردن سطح استقلال اعضاء هیأت مدیره در نظر گرفته‌شده‌است (حساس یگانه، ۱۳۸۸).

این تحقیق برای قانون‌گذاران، تدوین‌کنندگان مقررات، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان دارای اهمیت زیادی است. عدم توجه به ویژگی‌های کیفی کمیته حسابرسی و گزارشگری مالی در بانک‌ها می‌تواند ضررهای غیرقابل جبرانی را برای ذینفعان فوق‌الذکر ایجاد نماید.

این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و شناسایی روابط درونی بین این عوامل و تعیین تأثیر و تأثر این عوامل می‌باشد. با بررسی مطالب و اهداف ذکر شدهو بررسی ادبیات موجود نشانمی‌دهدکه در تحقیقات مرتبط با موضوع این پژوهش تاکنون تحقیق جامع و یکپارچه‌ای در زمینه شناسایی و بررسی روابط درونی بینعوامل مؤثربر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌هاتدوین نشده‌است و در این راستا پژوهش حاضر با استفاده از متدولوژی نظریه داده‌بنیاد[۱۰] که یک روش کیفی می‌باشد، از طریق مصاحبه عمیق با ۶ نفر از خبرگان به منظور به دست آوردن زیرمعیارها ادامه یافته است. سپسهمچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد دیمتل صورت گرفته و پس از آن از روش ای.ان.پی به منظور ارزیابی روابط درونی بین معیارها استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

گسترش فرآیند شکل‌گیری کمیته‌های حسابرسی در سراسر جهان، عملکردها را بهبود بخشیده و ضرورت اثر بخش بودن کمیته حسابرسی را تقویت نموده‌است (گابریل[۱۱]، ۲۰۱۲). ادبیات تحقیق مرتبط با اثربخش بودن کمیته حسابرسی بر این نکته مهم و کلیدی تاکید دارد که وجود کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط دارد (مک مولن[۱۲]، ۱۹۹۶ و سانگ و ویندرام[۱۳]، ۲۰۰۴).

Archive of SID

www.SID.ir

کمیته‌های حسابرسی یکی از عناصر ضروری برای حاکمیت شرکتی محسوب می‌شوند (گرین[14]، ۱۹۹۴). در تعریف کمیته حسابرسی، معمولاً بر روی دو نکته اصلی ترکیب این کمیته و وظایف آن تمرکز می‌شود.

برای مثال موسسه حسابداران رسمی کانادا[15] کمیته حسابرسی را به این صورت تعریفکرده‌است که یک کمیته متشکل از مدیران یک سازمان که مسئولیت مشخصی در زمینه مرور صورت‌های مالی سالانه قبل از تصویب در هیات مدیره بر عهده آنان است. این کمیته در واقع یک نوع رابط بین حسابرسان و هیات مدیره بوده و فعالیت‌های آن شامل مرور و بررسی طرح کاری حسابرسان، دامنه کلی حسابرسی، نتایج حسابرسی، کنترل‌های مالی داخلی و اطلاعات مالی برای عموم می‌باشد.

ماریان[16] (۱۹۸۸) کمیته حسابرسی را به این صورت تعریف کرده‌است که "یک کمیته متشکل از سه تا پنج نفر از اعضای هیات مدیره که فاقد مسئولیت اجرایی در مدیریت مالی باشند. وظیفه اصلی آن این است که صورت‌های مالی را بررسی کند و اثربخشی حسابداری، سیستم‌های کنترل داخلی و یافته های حسابرسان را مرور کند و پیشنهاداتی برای انتخاب حسابرسان بیرونی ارائه نماید."

ریچارد[17](۱۹۹۳) کمیته حسابرسی را به این صورت تعریف کرده‌است که یک کمیته متشکل از گروهی از کارمندان رده بالا. وظیفه کمیته حسابرسی مراقبت از استقلال وظیفه حسابرسی داخلی و تضمین بهبود مستمر در عملکرد مدیریت و همچنین پاسخگویی از طریق جستجوی در گزارش های حسابرسی داخلی و خارجی می‌باشد.

هر سه تعریف فوق از کمیته حسابرسی، در یک نکته اشتراک نظر دارند که این کمیته یک زیر مجموعه از هیات مدیره یک شرکت است و معمولاً از اعضای غیر موظف هیات مدیره برای عضویت در کمیته حسابرسی استفاده می‌شود. همچین مسئولیت آن در حوزه گزارشگری مالی، سیستم کنترل‌های داخلی و حسابرسی می‌باشد.

تئوری‌های گوناگونی در زمینه تشکیل کمیته های حسابرسی اثر بخش وجود دارد. تقریباً اغلب تحقیقاتی که اثربخشی و تأسیس یا تشکیل کمیته‌های حسابرسی را مورد آزمون و بررسی قرار داده‌اند، از چارچوب تئوری نمایندگی استفاده نموده‌اند و سایر تئوری‌ها را برای ارزیابی اثربخشی کمیته حسابرسی بکار برده‌اند. در اینجا به چند نمونه از این تئوری‌ها به صورت خلاصه پرداخته‌شده‌است.

تئوری نمایندگی بر پایه تفکیک مدیریت از مالکیت در سازمان‌های مدرن بنیان نهاده‌شد.این مسئله یک زمینه مناسب برای تئوری نمایندگی فراهم نموده‌است.سهامداران توقع دارند که از عملکرد و اقدامات نماینده (مدیریت)، حداکثر مطلوبیت نصیب آنان شود. تعارض منافع بین مالک و مدیریت از آن جهت شکل می‌گیرد که مالکان نمی‌توانند عملکرد و اقدامات مدیریت را مشاهده کنند (جنسن و مکلینگ[18]، ۱۹۷۶).در این تئوری استفاده از مکانیزم کمیته حسابرسی برای نشان دادن کیفیت اطلاعات یکی از ابزارهای بسیار مهم مدیریت محسوبمی‌گردد (برادبوری[19]، ۱۹۹۰). بنابراین تأسیس کمیته حسابرسی لزوماً به معنای برقراری یک سیستم نظارت موثر نخواهد بود (کالبرز و فوگارتی[20]، ۱۹۹۳).

تئوری نهادیبیان می‌دارد که ساختارهای سازمانی در یک محیط در واقعنمایش سمبلیک مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توافقی هستند (میر و رووان[21]، ۱۹۷۷). به عبارت دیگر فرآیندهای عملیاتی داخلی، فاقد ساختارهای قابل مشاهده برای انجام کارِ واقعی یک سازمان هستند. درنتیجه سازمان‌های دارای ساختار مناسب، از بررسی عمیق عملیات خود توسط اشخاص ثالث اجتناب می‌ورزند. اثر نهادی، ترغیب می‌نماید تا مشابه سایر سازمان‌های فعال در محیط خود عمل کنند. لذا یک جو روانی پدید می‌آید و تعداد سازمان‌هایی که کمیته حسابرسی تأسیسمی‌کنند، در یک محیط به سرعت افزایش می‌یابد. این آمار لزوماً به معنای استفاده اثربخش از این ساختار جدید نیست. بلکه فشارهای نهادی و جو محیط سازمان‌ها را به سمت ایجاد این ساختار جدید سوق می‌دهد. بر مبنای تئوری نهادی، اثربخشی کمیته حسابرسی بیشاز اینکه متأثر از عوامل بیرونی مانند متغیرهای نمایندگی باشد، از عوامل درونی مانند ویژگی‌های کمیته حسابرسی و اعضای آن تاثیر می‌پذیرد (کالبرز و فوگارتی، ۱۹۹۸). به‌هرحال تحقیقات مختلف از هر دو تئوری (تئوری نهادی و تئوری نمایندگی) برای ارزیابی اثربخشی کمیته حسابرسی استفاده‌کرده‌اند و حتی برخی تحقیقات از ترکیب هر دو تئوری در این راستا بهره‌برده‌اند و به هرحال نتایج بعضاً متضادی به دست آمده‌است.

فرضیه مباشرت (نظارت)[22] بر این اساس است که بررسی نظریه نمایندگی و مفاهیم ضمنی مستتر در نظریه انتظارات منطقی و عقلایی، روشنگر این واقعیت است که نمایندگان واحد اقتصادی از انگیزه لازم برای ارائه صورت‌های مالی جهت تسهیل در اجرای عملیات نظارتی از سوی مالکان برخوردارند. با این‌حال طبیعی است چنانچه مالکان نسبت به اعداد و ارقامصورت‌های مالی اعتماد لازم را نداشتهباشند، با تعدیل و کاهش حقوق و مزایای نمایندگان، به نحوی درصدد جبران خطرهای ناشی از زیان‌های احتمالی برآیند. براین اساس مباشر(نماینده) ضمن تهیه و ارائه گزارش‌های مالی، با ارائه

Archive of SID

www.SID.ir

شواهدی در مورد اعمال دقت در تهیه اعداد و ارقام گزارش شده و در نتیجه پیشگیری از خطاهای تصادفی و نبود تقلب با اهمیت نیز تمایل و توافق خواهد داشت. حسابرسی مستقل فرآیندی است که با مدنظر قرار دادن محدودیت‌های حاکم بر کشف تقلب، این اطمینان را به وجود می‌آورد (مداحی[۲۳]، ۲۰۱۳).

بر پایه فرضیه بیمه[۲۴]، استدلال می‌شود که تقاضا برای خدمات حسابرسی با میزان دعاوی حقوقی که مدیران را تهدید می‌کند رابطه‌ای مستقیم دارد. براساس قوانین و مقررات حاکم بر بازارهای اوراق بهادار، حسابرس و صاحبکار در قبال هرگونه زیان وارده به اشخاص ثالث به علت وجود اطلاعات گمراه کننده در صورت‌های مالی، مسئولیت مشترک دارند (مداحی[۲۵]، ۲۰۱۳).

تئوری ذی‌نفعان[۲۶] در چهار حوزه‌ی کلیدی دانشگاهی، یعنی جامعه‌شناختی، اقتصاد، سیاست و اخلاق ریشه داشته و از ادبیات برنامه‌ریزی شرکت، تئوری سیستم‌ها، مسئولیت‌های اجتماعی و تئوری سازمان‌ها دریافت شده‌است. فریمن[۲۷](۱۹۸۴) در طول دوره کاری خود به عنوان مدیر استراتژیک، رویکرد ذی‌نفعان را که به طور کلی به عنوان مقدمه‌ای برای مفاهیم تئوریذی‌نفعان پذیرفته‌است به این صورت تعریف می‌کند که چگونه سهامداران با منافع یا حقوق مشابه یک گروه را تشکیل می‌دهند. آنچه فریمن به دنبال توضیح آن است، رابطه شرکت و محیط زیست خارجی و رفتار (حرکت) در داخل این محیط است. نویسنده مدل خود را طوری طراحی کرده‌است که گویی نموداری است که در آن شرکت در مرکز واقع شده و ذی‌نفعانِ مرتبط با شرکت در آن نشان داده شده‌اند (امرسون واگنر و همکاران[۲۸]، ۲۰۱۱).

نورمان وُله[۲۹] در سال ۲۰۱۶ در تحقیقی به این نتیجه رسید که حسابرسی حاکمیتی در صورت لزوم، با فروتنی به حفظ و تطبیق سیستم‌های معتمد به‌ویژه زمان پاسخگویی نماینده و مسئولین قدرت در داخل دستگاه حکومتی منتج می‌شود. همچنین عمل حسابرسی می‌تواند منجربه علاقه‌مندی به ایجاد فضای گفتمان و مشارکت عوامل یک مجموعه‌ی حاکمیت گردد.

اِدریس آدامو الحاجی[۳۰] در سال ۲۰۱۲ در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که شکست در حاکمیت‌شرکتی تهدیدی بزرگ درآینده هرسازمانی می‌باشد. با حاکمیت شرکتی مؤثر برمبنای ارزش‌های اصلی صداقت و درستی، شرکت‌ها مزایای رقابتی در جذب و حفظ نوابغ و ایجاد واکنش‌های مثبت در بازار رقابتی خواهند داشت. حاکمیتشرکتی اثربخش می‌تواند با تطبیق مجموعه ازاصول و موازین کمال‌گرایانه کسب شود. سازمان باید ریسک‌های مرتبط با حاکمیتشرکتی را مدنظر قراردهند که عبارت‌اند از: تطابق با قوانین مقررات، عملیات قراردادها و اثربخشیعملیات سیستم اطلاعاتی، قابلیت اطمینان و درستی امورمالی و اطلاعات عملیاتی و محافظت از سرمایه که از جمله نقاط قابل‌توجه درسازمان می‌باشد.

جوروج سامول دیرانگو[۳۱] درسال ۲۰۰۹ به این نتیجه رسیدند که عوامل متعددی در اثربخشی عمل‌حسابرسی‌داخلی با گستره‌ی وسیع به‌عنوان مکانیزم حاکمیت‌شرکتی در دانشگاه‌های دولتی تأثیرگذارند که از جمله‌ی آن‌ها؛ تخصص حرفه‌ای حسابرسان داخلی، کیفیت کار حسابرسی، استقلال سازمانی، دوره کاری، پیشرفت کار و پشتیبانی مدیریت.

جاگان کریشنان[۳۲] و یونگ‌یون‌لی[۳۳] در سال ۲۰۰۸ برای کشف و بررسی فاکتورهای مرتبط با انتصاب کارشناس‌مالی در کمیته‌ی حسابرسی از مدل رگرسیون ریاضی منطقی در این مطالعه استفاده‌کردند. درنهایت، به این نتیجه رسیدند که سازمان‌ها با ریسک بالقوه بالاتر درخصوص دعاوی قضایی، بیشتر مایل به انتصاب کارشناسان‌مالی در کمیته‌ی حسابرسی-شان هستند و به هرجهت تجزیه و تحلیل‌های دقیق‌تر و بیشتر نشان‌داد که رابطه‌ی بین ریسک دعاوی قضایی و احتمال انتصاب کارشناسان‌مالی در سازمان‌هایی که حاکمیت‌شرکتی قوی دارند بیشتر مشهود است.

اِستفان آسیر[۳۴] در سال ۲۰۰۳ در تحقیقی به این نتیجه رسید که ساعت‌های حسابرسی بودجه‌بندی شده حسابرسان - داخلی به تغییرات در انگیزه‌های مدیریتی جهت گزارش خلاف واقع اطلاعات مالی حساس است، اما نسبت به تغییر در کیفیت کمیته‌ی حسابرسی حساسیتی ندارد.

بِدارد و جندرون (۲۰۱۰)[۳۵] رابطه‌ی بین مجموعه ویژگی-های کمیته حسابرسی و تقویت سیستم گزارشگری مالی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان ادبیات علمی مرتبط با کمیته‌ی حسابرسی را با هدف ارزیابی میزان تاثیر کمیته حسابرسی بر اثربخشی مثبت محیط گزارشگری مالی مورد مطالعه قرار داده-اند. آنها ۱۰۳ مقاله‌ی منتشر شده در ژورنال‌های مختلف طی سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ را مورد بررسی قرار داده‌اند. بِدارد و جندرون (۲۰۱۰) چارچوب پژوهش‌های مورد اشاره را توسعه داده و چشم‌اندازی جامع از مطالعات کمیته‌ی حسابرسی موجود ارائه کرده‌اند که منجر به تحقق شش معیار اساسی تحت عناوین: فرآیند کمیته حسابرسی، منابع، محیط کلی حاکمیت شرکتی، استقلال، تخصص و قدرت شده است.

قدم اصلی در سنجش میزان اثربخشی فعالیت کمیته حسابرسی، وجود یک اساسنامه و یا منشور فعالیت است که دربردارنده تمام آنچه مورد انتظار هیئت مدیره در باب

Archive of SID

www.SID.ir

مسئولیت نظارت، کنترل و راهبری سازمان بوده، باشد. بدون تصویب یک منشور و یا اساسنامه مدون، هدفهای کمیته حسابرسی از جمله نظارت بر قابلیت اعتماد و اتکای صورت‌های مالی، نظارت بر اعمال الزامهای قانونی، رعایت اصل استقلال و صلاحیت و نحوه انتخاب حسابرسان مستقل، نظارت بر عملکرد حسابرسان داخلی و... محقق نشده، بلکه سنجش میزان اثربخشی فعالیت کمیته حسابرسی نیز امکانپذیر نیست. از یک طرف، اعضای کمیته حسابرسی اقدام‌های هیأت مدیره را به منظور افزایش سطح مسئولیت پاسخگویی در قبال ذینفعان و افزایش سطح کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار میدهند؛ از طرف دیگر، هیأتمدیره باید به صورت منظم اثربخشی فعالیت کمیته حسابرسی را در چارچوب منشور عملیاتی این کمیته به منظور نظارت عالی در راهبری سازمان و کاهش شکاف اطلاعاتی بر پایه مفهوم تئوری نمایندگی میان هیئتمدیره و سهامداران، ارزیابی کند. (ساسانی، ۱۳۹۱). لذا، لزوم بررسی عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی احساس می‌شود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

دراین پژوهش، پس از جمع‌آوری عوامل مؤثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی و دسته‌بندی آنها و باتوجه به نظر خبرگان، پرسشنامه‌ای طراحی گردید و با طرح سؤال از ایشان زیر معیارها شناسایی و با استفاده از فندیمتل به اولویت‌بندی این عوامل پرداخته شد تا درنهایت، مدلی علّی، که بیانگر روابط بین عوامل و میزان تأثیر و اثر آنها بر یکدیگر است، ارائه گردد. درنهایت، این پژوهش به این سؤال پاسخ خواهد داد که کدام موردیا مواردی از عوامل مؤثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی تأثیر بیشتری دارد.

این خبرگان تماماً عضو هیأت علمی، دارای مدرک دکتری حسابداری و دارای تجربه حضور در کمیته حسابرسی بانک‌های کشور وآشناباموضوعکمیته حسابرسی بوده و یا در این حوزه دارای مقالات وتألیفات بودند.

ابزارهای به کار رفته در این پژوهش استفاده از مصاحبه عمیق با خبرگان براساس متدولوژی نظریهٔ داده بنیاد و روش مدلسازی ساختاری تفسیری دیمتل است. در این پژوهش با مراجعه به ادبیات موضوع، عوامل مؤثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی شناسایی و سپس این عوامل با استفاده ازمدل ای.ان.پی سطح‌بندی گردید.

گام اول: مطالعات مروری

در این پژوهش، با بررسی تحقیقات و مطالعات گذشته، ابتدا معیارهای اثربخشی کمیته حسابرسی احراز گردید که عبارت هستند از: فرآیند کمیته حسابرسی، منابع، محیط کلی حاکمیت شرکتی، استقلال، تخصص و قدرت.

گام دوم: مصاحبه با خبرگان

با استفاده از متدولوژی نظریه داده‌بنیاد که یک روش کیفی می‌باشد، از طریق مصاحبه عمیق با ۶ نفر از خبرگان، پس از به دست آمدن معیارهای اصلی تحقیق، به منظور به دست آمدن زیرمعیارهای مربوط، موضوع از طریق برگزاری مصاحبه‌های عمیق با ۶ نفر از خبرگان در راستای پرسشنامه تنظیم شده، پیش رفته و پس از ضبط صدای مصاحبه شونده، صدا به متن تبدیل و طی سه مرحله تحت بررسی و واکاوی قرارگرفته و زیرمعیارها استخراج شده است و با توجه به اشباع زیرمعیارها، کفایت مصاحبه‌ها در مرحله ششم احراز گردید.

در این حین نیز، مصاحبه‌شونده‌ها از ۱ تا۶شماره‌گذاری شدند. فرآیند کدگذاریداده‌ها در دو مرحله (مرحله‌ی درک شرکت کنندگان از حضور در کمیته های حسابرسی و مرحله‌ی درک پژوهشگر از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان) و برای سه دوره تکرارشد. در هر دور، رونوشت مصاحبه به ترتیب کدگذاری شده و به مجموعه‌های مختلفی ازکدها تقسیم گردیدند. در نتیجه مجموعه‌های مختلفی ازکدهای توسعه یافته وساخته شده برروی یکدیگر ایجاد شدند و در نهایت معیارها و زیر معیارهای مدل مزبور استخراج گردید.

شایان ذکر است، پرسشنامه‌ی مصاحبه شامل ۲۱ پرسش اصلی متنوع است. در راستای استفاده از مدل مصاحبه‌ی روبین (۲۰۰۵)، فرد محقق می‌تواند از مصاحبه‌شونده‌هاو یا اعضای کمیته حسابرسی بخواهد تا تجربیات خود در هنگام انجام وظایف را بازگو نمایند. سپس مصاحبه‌شونده، بر اساس توصیف یا توضیح خاص، ممکن است برای روشن شدن بیشتر مورد بررسی قرارگیرد. از این رو، فرد مصاحبه‌شونده باید محقق را در جریان کارهای خود قرار دهد. هر یک ازپرسش‌های موجود در مصاحبه (۲۱ پرسش) از زمینه‌ها و پژوهش‌های کیفی‌ای به دست آمده‌اند که همسو و مطابق با نظریه‌های حسابداری هستند.

در این راستا، با توجه به هدف پژوهش، از روش نمونه-گیریِ گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه‌ی عمیق استفاده شده است. نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای یعنی انتخاب شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند (حریری، ۱۳۸۵) به بیان دیگر، در مصاحبه‌ی عمیق، ابتدا تعدادی از

Archive of SID
www.SID.ir

اشخاص صاحبنظر و خبرگان و دارای تحصیلات و تجربه کـافی با موضوع، انتخاب شدند و در پایان مصـاحبه‌ی عمیـق از آنهـا درخواست شد که سایر افـراد مطلـع و صـاحبنظر در خصـوص موضوع تحقیق را معرفی نمایند.

گام سوم: تکنیک دیمتل

تصمیم‌گیری، انتخاب یکی از راه حل‌های مختلف در حل مسئله است و تصمیم‌گیرنده می‌تواند به امید رسیدن به هدف، یک استراتژی را از بین چند استراتژی انتخاب کند. یکی از انواع روشهای تصمیم‌گیری گروهی براساس مقایسه‌های زوجی و قضاوت کارشناسان است که در بین سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۱ میلادی، توسط فونتلا[۳۶] و گابوس[۳۷] برای بررسی مسائل بسیار پیچیده جهانی به وجود آمد.

تکنیک دیمتل ارتباطات متقابـل بـین عوامـل را بـه طـور واضح نشان می‌دهد و تمامی اطلاعات به دست آمـده و عوامـل دسته‌بندی شده را با استفاده از روابط علّی و معلـولی سـاختار می‌دهد و این تکنیـک یکـی از روشـهای حـل مسـئله اسـت و قابلیت وزن‌دهی به عوامل و تعیین نوع و شدت ارتباطات میـان آنها را دارد.

فونتلا و گابوس (۱۹۷۶)، گـام‌هـایی را پیشـنهاد کردندکـه شامل ایجاد ماتریس روابـط مسـتقیم، نرمـال‌سـازی مـاتریس، محاسبهٔ مـاتریس روابـط کـل، رسـم نمـودار علّـی و معلـولی، محاسبهٔ میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هریک از عوامل است.

باتوجه به نظر کارشناسان، روابط حاکم بـر ارتباطـات بـین رئوس را تعیین کرده و ماتریس مقایسه‌های زوجی میان عوامل را طبق نظر هر کارشناس تشکیل می‌دهیم.

برای تولید ماتریس روابط مستقیم و برای سـنجش رابطـه میان شاخص‌های مختلف از پنج مقیاس استفاده مـی‌کنـیم: N (بدون تأثیر)، VL (تأثیر بسیار کـم)، L (تـأثیر کـم)، H (تـأثیر زیاد)، VH (تأثیر بسیار زیاد).

سپس، مجموعه‌ای از مقایسـات زوجـی در بـین شاخصـها انجام گرفته و داده‌های اولیه به عنوان عناصـر مـاتریس روابـط مستقیم در ماتریس قرار می‌گیرند.

الف. نرمال‌سازی ماتریس M

در مرحلهٔ بعد به نرمال‌سازی ماتریس روابط مستقیم پرداخته می‌شود. طبق مطالعات، ضریب نرمالسازی برابر است با بیشترین مجموع ردیفی و بیشترین مجموع ستونی ماتریس میانگین که از طریق ضرب ماتریس روابط مستقیم درضریب نرمالسازی، ماتریس روابط مستقیم نرمال‌شده به دست می‌آید (هونگ یی مو[۳۸]، ۲۰۱۲).

ب.ایجادماتریسروابطمستقیموغیرمستقیم

در این مرحله به محاسبهٔ ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم پرداخته می‌شود. نحوهٔ محاسبهٔ آن در رابطهٔ زیر نشان داده شده است:t_{ij}ها درایه‌های ماتریس روابط مستقیم و غیرمستقیم هستند:

$$T=\lim(Z+Z^2+Z^3+\ldots+Z^k) = Z(1-Z)^{-1}$$

$$\boldsymbol{R_j = \sum_{\substack{j=1 \\ i=1}}^{p} t_{ij}\, D_i = \sum_{\substack{j=1 \\ i=1}}^{p} t_{ij}}$$

با استفاده از مقادیر t_{ij}ها، می‌توان مجموع هر ردیف (D_i) و مجموع هر ستون (R_j) را به دست آورد.

مجموع هر ردیف (D_i) نشان‌دهندهٔ میزان نفوذ و سطح اثرگذاری شاخص i و مجموع هر ستون (R_j) نیز نشان‌دهندهٔ میزان نفوذپذیری و سطح اثرپذیری شاخصj است. مقادیر (D_i+R_j) و (D_i-R_j) به ترتیب، شدت تعامل و شدت اثرگذاری یک عامل را نشان می‌دهد (صفدری و رنجبر و همکاران، ۱۳۹۲).

گام چهارم: تکنیکای.ان.پی[۳۹]

فرآیند تحلیل شبکه‌ای چون حالت عمومی AHP و شکل گسترده آن است، بنابراین تمامی ویژگی‌های مثبت آن از جمله سادگی، انعطاف‌پذیری، به کارگیری معیارهای کمی کیفی به طور همزمان و قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها را دارا بوده و مضافاً می‌تواند ارتباطات پیچیده (وابستگی‌های متقابل و بازخورد) بین و میان عناصر تصمیم‌گیر را با بکارگیری ساختار شبکه‌ای به جای ساختار سلسله‌مراتبی در نظر بگیرد. فرآیند تحلیل شبکه‌ای هر موضوع را به مثابه شبکه‌ای از معیارها و زیرمعیارها و گزینه‌ها (همه اینها عناصر نامیده می‌شوند) که با یکدیگر در خوشه‌هایی جمع شده‌اند، درنظر می‌گیرد. تمامی عناصر در یک شبکه می‌توانند به هرشکل دارای ارتباط با یکدیگر باشند. به عبارت دیگر در یک شبکه، بازخورد و ارتباط متقابل بین و میان خوشه‌ها امکان‌پذیر است (گارسیا ملون[۴۰]، ۲۰۰۸). بنابراین ANP را می‌توان متشکل از دو قسمت دانست: سلسله مراتب کنترلی و ارتباط شبکه‌ای. سلسله‌مراتب کنترلی ارتباط بین هدف، معیارها و زیرمعیارها را شامل شده و در ارتباط درونی سیستم تأثیرگذار است و ارتباط شبکه‌ای وابستگی بین عناصر و خوشه‌ها را شامل می‌شود (ساتی[۴۱]، ۱۹۹۹). این قابلیت ANP امکان در نظر گرفتن وابستگی‌های متقابل بین عناصر را فراهم آورده و در نتیجه نگرش دقیقی به مسائل پیچیده ارائه می‌کند. تأثیر عناصر بر عناصر دیگر در یک شبکه توسط یک سوپر ماتریس در نظر گرفته می‌شود (زبردست، ۱۳۸۹).

Archive of SID

www.SID.ir

به همین منظور در این تحقیق به منظور شناخت روابط بین عاملی ازین تکنیک استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر برحسب نوع روش، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ نوع هدف، کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای)، مشاهده (مطالعات میدانی) و مستندسازی می‌باشد. در بخش تحلیل، ازتکنیک تلفیق تئوری زمینه بنیان برای شناسایی معیارها و تکنیک دیمتل برای محاسبه روابط درونی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها استفاده شده‌است. تکنیک دیمتل دارای دو کارکرد عمده درنظر گرفتن ارتباطات متقابل و ساختاردهی به عوامل پیچیده درقالب گروه‌های علت و معلولی می‌باشد که در این تحقیق بدان پرداخته‌شده‌است. دراینراستا،با استفاده از متدولوژی نظریه داده‌بنیاد که یک روش کیفی می‌باشد، از طریق مصاحبه عمیق با ۶ نفر از خبرگان، پس از به دست آمدن معیارهای اصلی تحقیق، به منظور به دست آمدن زیرمعیارهای پژوهشاز الگوریتم شکل ۲ بهره‌گرفته‌شده‌است:

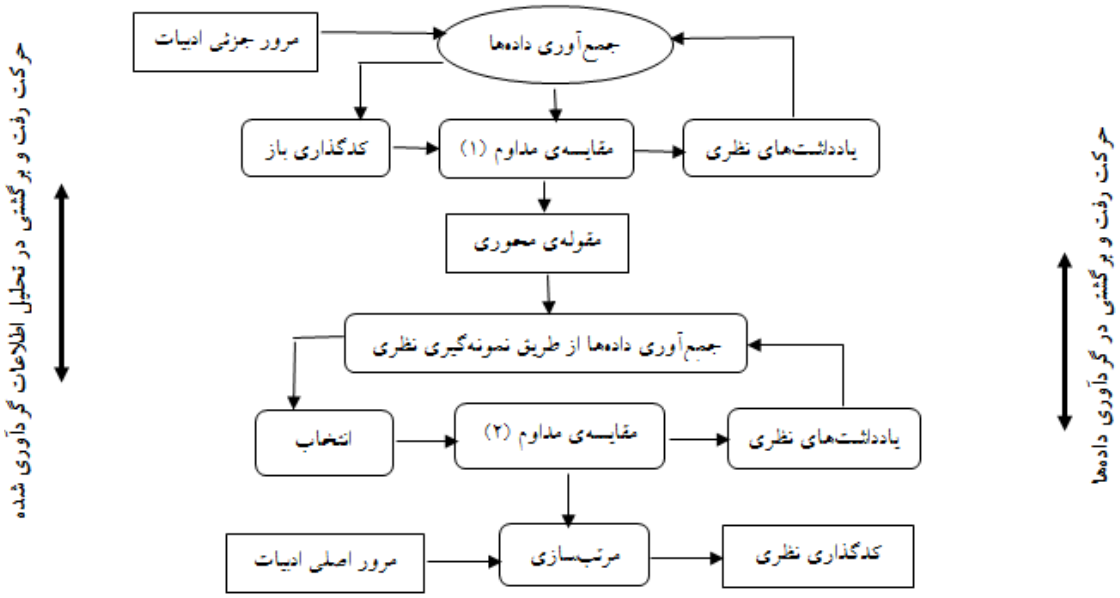

شکل ۲- روند کدگذاری و شناسایی معیارهای تحقیق

تعاریف عملیاتی شش معیار اصلی به شرح زیر است:

۱. فرآیند کمیته حسابرسی: این معیار شامل فراوانی جلسات، برنامه‌ی زمانبندی جلسات، روابط درون سازمانی، رهبری می‌باشد.

۲.منابع:این معیار شامل اندازه سازمان، منابع مالی قابل تخصیص به کمیته و منابع اطلاعاتی قابل ارائه به کمیته است.کمیته حسابرسی باید به همه منابع مورد نیاز در راستای عمل به مسئولیت‌هایش دسترسی داشته باشد. کمک و حمایت حسابرسان داخلی، حسابرسان بیرونی و اندازه کمیته حسابرسی از جمله مهمترین عوامل تعیین کننده اثربخشی کمیته های حسابرسی می‌باشد.

۳. محیط کلی حاکمیت شرکتی: شامل ساختار حاکمیت شرکتی و تغییرات پساساکس (Post-SOX) و یا هر تغییر دیگری در قوانین و مقررات مربوطه است.

۴. استقلال: این معیار ناظربر رابطه‌ی کاری، استخدامی، شخصی و تجاری اعضای کمیته با سازمان می‌باشد.

۵. تخصص:این معیار شامل خصوصیات فردی عضو کمیته درخصوص سواد مالی، تخصص مالی، تخصص نظارتی و سایرتخصص‌ها می‌باشد.

۶. قدرت: این معیار شامل نظارت بر پایش ارتباطات خارجی سیستم کنترل‌های داخلی و نظارت بر حسابرس مستقل می‌باشد. مسئولیت‌های کمیته حسابرسی بسیار متنوع است و شواهد نشان می‌دهد به مرور زمان بر دامنه این مسئولیت‌ها افزوده می‌شود. البته پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که نظارت بر گزارشگری مالی، حسابرسی مالی و کنترل‌های مالی از جمله مهمترین مسئولیت‌های آن بوده که از مصادیق اعمال قدرت کمیته تلقی می‌شوند.

مدل مفهومی تحقیق برای نمایش روابط درونی بین شش معیار مذکور به صورت شکل ۱ ارائه شده‌است.

Archive
www.SID.ir

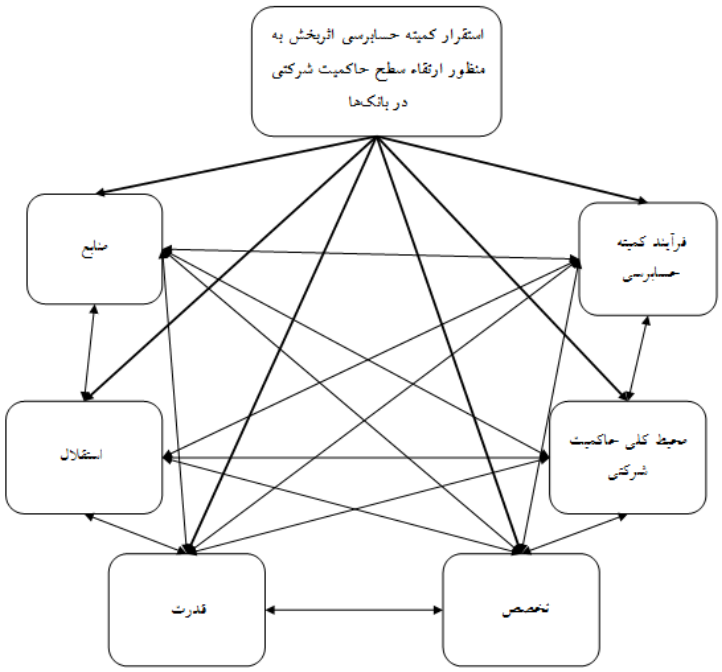

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

بر این اساس معیارهای انتخابی طبق کدگذاری صورت گرفته شامل موارد زیر می‌باشند و به صورت جدول ۱ نمایش داده شده است:

جدول ۱- معیارهای اصلی تحقیق

معیار اصلی	نماد	تعداد ارجاع
فرآیند کمیته حسابرسی	C1	۱۸۸
محیط کلی حاکمیت شرکتی	C2	۱۷۱
تخصص	C3	۱۱۳
قدرت	C4	۵۰
استقلال	C5	۴۴
منابع	C6	۳۵

با استفاده از معیارهای به دست‌آمدهبه تنظیم پرسشنامه روابط درونی با استفاده از تکنیک دیمتل پرداخته‌شد.بدین صورت که معیارهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر جهت ارزیابی روابط درونی بین عوامل مؤثر بر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، به صورت پرسشنامه روابط درونی در میان مدیران و کارشناسان ارشد بانک‌ها که دارای تحصیلات مرتبط و تجربه کافی با موضوع بوده‌اند، توزیع گردید. در پرسشنامه خبره که مبتنی بر مقایسه زوجی تمامی عناصر با یکدیگر است احتمال اینکه یک متغیر در نظر گرفته نشود صفر است. بنابراین چون تمامی معیارها در این سنجش مورد توجه قرار گرفته‌است و طراح قادر به جهت گیری خاصی در طراحی سؤالاتنمی‌باشد، بنابراین پرسشنامه‌های مبتنی بر مقایسه زوجی فی‌نفسه از روائی برخوردار هستند (قدسی پور، ۱۳۸۷). به دلیل اینکه در پرسشنامه تمامی عوامل مدل در نظر گرفته‌شده و با یکدیگر مقایسه می‌گردند لذا تمام احتمالات مرتبط با در نظر نگرفتن یک متغیر از بین خواهد رفت. از طرفی چون پرسشنامه تمامی معیارها را به صورت دو به دو مقایسه و سنجش می‌کند، لذا حداکثر سؤالات ممکن با ساختاری مطلوب از مخاطب پرسیده می‌شود و چون تمامی معیارها در این سنجش مورد توجه قرار گرفته‌است و طراح قادر به جهت‌گیری خاصی در طراحی سؤالات نمی‌باشد نیازی به سنجش پایایی وجود نخواهد داشت (مهرگان، ۱۳۸۳). بدین ترتیب در ادامه؛ به منظورتعیین روابط درونی بین معیارها،پرسشنامه‌های طراحی شده میان۶نفر از خبرگان توزیع گشت. در پایان جهت تحلیل داده‌ها (اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها) و تعیین روابط درونی بین معیارها از تکنیک های تصمیم‌گیری چندمعیاره نام برده شده چون دیمتل، بهره‌گرفته‌شده‌است.

تکنیک دیمتل شامل پنج گام تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم (M)، نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم، محاسبه ماتریس ارتباط کامل، ایجاد نمودار علی[۴۲] و بدست آوردن تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین عوامل می‌باشد که در قسمت بعد هر یک از این گام ها به تفصیل توضیح داده‌شده‌است.

Archive of SID
www.SID.ir

با پیش فرض روابط درونی میان معیارهای اصلی تحقیق و برای انعکاس ارتباطات متقابل میان معیارها از تکنیک دیمتل استفاده شده‌است. به طوری که متخصصان قادرند با تسلط بیشتری به بیان نظرات خود در رابطه با اثرات (جهت و شدت اثرات) میان عوامل بپردازند. لازم به ذکر است که ماتریس حاصله ازتکنیک دیمتل (ماتریسارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل را نشان می‌دهد و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نمایش می‌دهد.

گام نخست: محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم (M)

زمانیکه از دیگاه چند کارشناس استفاده می‌شود از میانگین حسابی ساده نظرات استفاده می‌شود و ماتریس ارتباط مستقیم یا M را تشکیل می‌شود، که در جدول ۲ نمایش داده شده‌است.

گام دوم: محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم نرمال

ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌ها محاسبه می‌شود. معکوس بزرگترین مجموع عدد سطر و ستون k را تشکیل می‌دهد. براساس جدول ۲ بزرگترین عدد ۱۷/۷۰۰ است و تمامی مقادیر جدول بر معکوس این عدد ضرب می‌شود تا ماتریس نرمال شود.

$$k = \frac{1}{\max \sum_{j=1}^{n} a_{ij}} = \frac{1}{17.700} = 0.0565$$

⇨ N =K*M=۰/۰۵۶۵*M

گام سوم: محاسبه ماتریس ارتباط کامل

برای محاسبه ماتریس ارتباط کامل ابتدا ماتریس همانی (I) تشکیل می‌شود. سپس ماتریس همانی منهای ماتریس نرمال شده و ماتریس حاصل معکوس می‌شود. در نهایت ماتریس نرمال در ماتریس معکوس ضرب می‌شود، چنانچه در جدول ۳ نمایش داده‌شده‌است.

$$T = N \times (I - N)^{-1}$$

جدول ۲- ماتریس ارتباط مستقیم: M

M	محیط کلی حاکمیت شرکتی	فرآیند کمیته حسابرسی	تخصص	قدرت	استقلال	منابع
محیط کلی حاکمیت شرکتی	۰,۰۰۰	۲,۷۰۰	۲,۸۰۰	۲,۱۰۰	۲,۳۰۰	۳,۳۰۰
فرآیند کمیته حسابرسی	۲,۶۰۰	۰,۰۰۰	۳,۱۰۰	۲,۲۰۰	۲,۱۰۰	۳,۳۰۰
تخصص	۲,۳۰۰	۲,۴۰۰	۰,۰۰۰	۳,۰۰۰	۳,۱۰۰	۳,۶۰۰
قدرت	۳,۰۰۰	۲,۹۰۰	۲,۵۰۰	۰,۰۰۰	۳,۴۰۰	۳,۵۰۰
استقلال	۳,۷۰۰	۳,۵۰۰	۳,۱۰۰	۳,۷۰۰	۰,۰۰۰	۳,۵۰۰
منابع	۳,۵۰۰	۳,۶۰۰	۳,۴۰۰	۳,۵۰۰	۳,۷۰۰	۰,۰۰۰

جدول ۳- ماتریس ارتباط کامل (T)

T	محیط کلی حاکمیت شرکتی	فرآیند کمیته حسابرسی	تخصص	قدرت	استقلال	منابع
محیط کلی حاکمیت شرکتی	۰,۸۰۹	۰,۹۴۳	۰,۹۳۸	۰,۸۸۹	۰,۹۰۳	۱,۰۵۸
فرآیند کمیته حسابرسی	۰,۹۴۱	۰,۸۱۴	۰,۹۵۵	۰,۸۹۷	۰,۸۹۹	۱,۰۶۳
تخصص	۰,۹۹۹	۱,۰۰۴	۰,۸۷۳	۱,۰۰۰	۱,۰۱۰	۱,۱۵۲
قدرت	۱,۰۷۱	۱,۰۶۷	۱,۰۳۹	۰,۸۹۴	۱,۰۶۱	۱,۱۹۴
استقلال	۱,۲۰۱	۱,۱۹۴	۱,۱۶۵	۱,۱۶۵	۰,۹۹۹	۱,۳۰۹
منابع	۱,۲۰۴	۱,۲۰۹	۱,۱۸۹	۱,۱۶۸	۱,۱۸۳	۱,۱۵۷

Archive of SID
www.SID.ir

گام چهارم: نمایش نقشه روابط شبکه

برای تعیین نقشه روابط شبکه[۴۳] باید شدت آستانه محاسبه شود. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف‌نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا را ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آن‌ها در ماتریس T از مقدار آستانه بزرگ‌تر باشد در نقشه روابط درونی نمایش داده‌خواهدشد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس T محاسبه شود. بعد از آنکه شدت آستانه تعیین شد، تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از آستانه باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته‌نمی‌شود. در این مطالعه شدت آستانه برابر ۱،۰۴۵ بدست‌آمده‌است. بنابراین الگوی روابط معنی‌دار به صورت جدول ۴ است که در آن به صورت دقیق روابط بین معیارها و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری معیارها و مقدار بزرگی آن‌ها نمایش داده‌شده‌است.

با توجه به الگوی روابط می‌توان نمودار علی را با توجه به اعداد بدست‌آمده از جدول ۴ و مشخص‌شدن روابط براساس شکل ۳ ترسیم‌کرد، بر این اساس تمام معیارها بر معیار منابع که با نمادC6نمایش داده‌شده‌است، تأثیر گذاشته و این معیار بر روی تمام منابع تأثیرگذاشتهاست. در این میان محیط کلی حاکمیت شرکتی با نماد C1، فرآیند کمیته حسابرسی با نماد C2 و تخصص با نماد C3کمترین تأثیرگذاری بر سایر معیارها را دارا بوده و تنها بر معیار منابع تأثیرگذار هستند، از سوی دیگر معیار قدرت با نماد C4، استقلال با نماد C5 و معیار منابع با نماد C6 بر همه معیارها به جز خودشان تأثیرگذارند.

الگوی روابط علی معیارهای اصلی به صورت جدول ۵ نمایش داده‌شده‌است:

جدول ۴- الگوی روابط معنی دار معیارهای اصلی

شرح	محیط کلی حاکمیت شرکتی	فرآیند کمیته حسابرسی	تخصص	قدرت	استقلال	منابع
محیط کلی حاکمیت شرکتی	*	*	*	*	*	۱،۰۵۸
فرآیند کمیته حسابرسی	*	*	*	*	*	۱،۰۶۳
تخصص	*	*	*	*	*	۱،۱۵۲
قدرت	۱،۰۷۱	۱،۰۶۷	۱،۰۳۹	*	۱،۰۶۱	۱،۱۹۴
استقلال	۱،۲۰۱	۱،۱۹۴	۱،۱۶۵	۱،۱۶۵	*	۱،۳۰۹
منابع	۱،۲۰۴	۱،۲۰۹	۱،۱۸۹	۱،۱۶۸	۱،۱۸۳	*

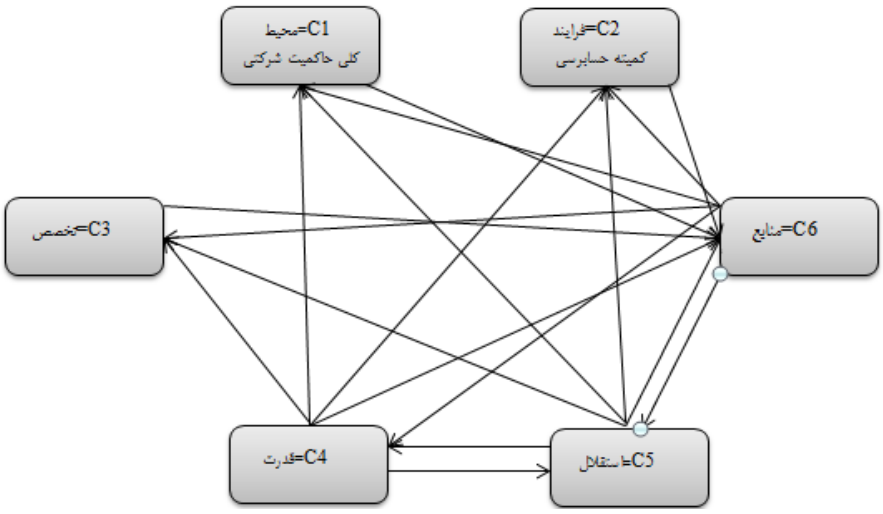

شکل ۳- نقشه روابط شبکه بین معیارهای تحقیق

www.SID.ir

جدول ۵- الگوی روابط علی معیارهای اصلی

معیار	نماد	D	R	D+R	D-R
محیط کلی حاکمیت شرکتی	C1	۵,۵۴۱	۶,۲۲۵	۱۱,۷۶۶	-۰,۶۸۴
فرآیند کمیته حسابرسی	C2	۵,۵۶۹	۶,۲۳۱	۱۱,۸۰۰	-۰,۶۶۲
تخصص	C3	۶,۰۳۹	۶,۱۶۰	۱۲,۱۹۹	-۰,۱۲۱
قدرت	C4	۶,۳۲۶	۶,۰۱۳	۱۲,۳۳۹	۰,۳۱۳
استقلال	C5	۷,۰۳۴	۶,۰۵۶	۱۳,۰۹۱	۰,۹۷۸
منابع	C6	۷,۱۱۰	۶,۹۳۴	۱۴,۰۴۳	۰,۱۷۶

نمودار مختصات دکارتی در شکل ۴ نمایش داده‌شده‌است که بردار افقی میزان تعامل معیارها (D+R) و بردار عمودی قدرت تاثیرگذاری هر عامل (D-R) را نمایش می‌دهد. بر این اساس معیار منابع بیشترین تعامل و معیار استقلال علی ترین عامل می‌باشند.

در جدول ۶ جمع عناصر هر سطر (D) نشانگر میزان تأثیرگذاری آن معیار بر دیگر معیارهای مدل است. براین اساس معیار منابع از بیشترین تأثیرگذاری برخورداری است. استقلال در درجه بعدی است. معیار محیط کلی حاکمیت شرکتی کمترین تأثیرگذاری را بر سایر عناصر دارد.جمع عناصر ستون (R) برای هر عامل نشانگر میزان تأثیرپذیری آن عامل از سایر عامل های سیستم است. براین اساس معیار منابع از میزان تأثیرپذیری بسیار زیادی برخوردار است. قدرت نیز کمترین تاثیرپذیری را از سایر معیارها دارد.بردار افقی (D + R)، میزان تأثیر و تاثر عامل مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر هرچه مقدار D + R عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. براین اساس شاخص منابع بیشترین تعامل را با سایر معیارهای مورد مطالعه دارند. محیط کلی حاکمیت شرکتی از کمترین تعامل با سایر متغیرها برخوردار است.بردار عمودی (D - R)، قدرت تاثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. بطور کلی اگر D - R مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود. در این مدل معیارهای قدرت، استقلال و منابع علی و معیارهای محیط کلی حاکمیت شرکتی، فرآیند کمیته حسابرسی و تخصص معلول هستند.

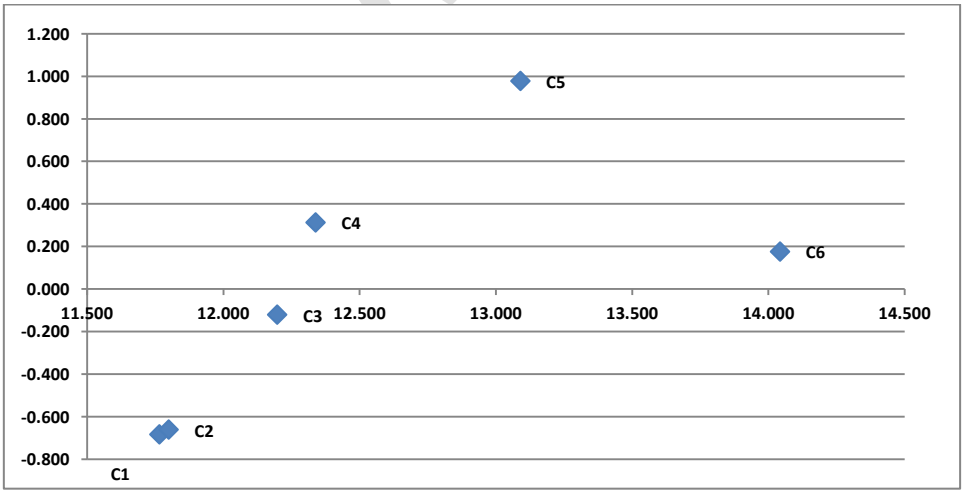

شکل ۴- نمودار مختصات دکارتی برون داد روش دیمتل برای معیارها

۵- نتیجه‌گیری و بحث

بانک‌ها در نظام اقتصادی نقش مهم و کلیدی بر عهده دارند. از طرفی کیفیت حاکمیت اثر مستقیمی بر تحقق اهداف نظام بانکی دارا می‌باشد. یکی از ارکان کیفیت حاکمیت شرکتی، استقرار کمیته حسابرسی و اثربخش بودن عملکرد آن است. برای دستیابی به مفاهیم مهم و اساسی حاکمیت شرکتی، وجود رکنی جهت ایجاد ارتباط بین اعضاء گروه‌های حاکم ایجاد کمیته‌ای تحت عنوان کمیته حسابرسی پیشنهاد

www.SID.ir

گردیده‌است؛ این تحقیق برای قانون‌گذاران، تدوین‌کنندگان مقررات، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان دارای اهمیت زیادی است. عدم توجه به ویژگی‌های کیفی کمیته حسابرسی و گزارشگری مالی در بانک‌ها می‌تواند ضررهای غیر قابل جبرانی را برای ذینفعان فوق‌الذکر ایجاد نماید.

این تحقیق به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و شناسایی روابط درونی بین این عوامل و تعیین تأثیر و تأثر این عوامل بوده است. با بررسی مطالب و اهداف ذکر شده و بررسی ادبیات موجود نشان داده شد که در تحقیقات مرتبط با موضوع این پژوهش تاکنون تحقیق جامع و یکپارچه‌ای در زمینه شناسایی و بررسی روابط درونی بینعوامل مؤثر بر استقرار کمیته‌ی حسابرسی اثربخش به منظور ارتقاء سطح حاکمیت شرکتی در بانک‌هاتدوین نشده و در این راستا پژوهش حاضر با استفاده از متدولوژی نظریه داده‌بنیاد که یک روش کیفی می‌باشد، از طریق مصاحبه عمیق با ۶ نفر از خبرگان، پس از به دست آمدن معیارهای اصلی تحقیق، به منظور به دست آمدن زیرمعیارها ادامه یافته است. همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد دیمتل صورت گرفته و پس از آن از روش ای.ان.پی به منظور ارزیابی روابط درونی بین معیارها استفاده شده است.

در این ارتباط، تعداد شش معیار اصلی به شرح: فرآیند کمیته حسابرسی، منابع، محیط کلی حاکمیت شرکتی، استقلال، تخصص و قدرت شناسایی گردید. در ادامه، زیرمعیارها احصاء و با استفاده از رویکرد دیمتل و تکنیک ای.ان.پی، روابط درونی بین این معیارها شناسایی شد.

براساس نتایج تحقیق «منابع»، تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین معیار می‌باشد که نشان از اهمیت آن دارد. به عبارت دیگر، تمام معیارها بر معیار«منابع» تأثیر گذاشته و یاز آن اثر می‌پذیرند. در این میان،معیارهای محیط کلی حاکمیت شرکتی، فرآیند کمیته حسابرسی و تخصص، کمترین تأثیرگذاری را بر سایر معیارها دارا می‌باشند. از سوی دیگر، معیارهای قدرت و استقلال بر همه معیارها به جز خود تأثیرگذارند.

بنابراین، به منظور ارتقاء سطح اثربخشی کمیته‌های حسابرسی بایستی به مقوله «منابع» مورد نیاز کمیته در گام اول توجه ویژه شود. چراکه تمامی معیارها را تحت تأثیر خود قرارداده و یا از آنها تأثیر شدید می‌پذیرد. در ادامه، استقلال و قدرت کمیته در سیاست‌گذاری‌ها و راهبری واحد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

باتوجه به نتیجهٔ این پژوهش که نفوذگذارترین عامل، عامل «منابع» است، بررسی عمیق‌تر آن را میتوان به عنوان موضوع تحقیقات آتی پیشنهاد کرد. محققان می‌توانند از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای ادامهٔ این تحقیق استفاده کنند و در سازمان‌های مرتبط، این عوامل را پیاده‌سازی نموده و نتایج بین سازمان‌ها را بررسی نمایند. همچنین، محققان می‌توانند به بررسی هریک از عوامل به صورت جداگانه پرداخته و درجهت پیشبرد اهداف استراتژیک در زمینهٔ بهبود وضع استقرار کمیته‌های حسابرسی تحقیق نمایند.

فهرست منابع

* اعرابی، مرتضی(۱۳۸۲)، "روش تحقیق در علوم اجتماعی کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی"، انتشارات نورعلم، ویرایش سوم، چاپ پنجم.
* حساس یگانه، یحیی؛ مداحی، آزاده (۱۳۸۸)، "اثربخشی فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در حسابرسی"، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی.
* قدسی پور، سید حسن (۱۳۸۱) "مباحثی در تصمیم گیری چند معیاره"، انتشارات دانشگاه امیرکبیر، چاپ پنجم.
* مهرگان، محمدرضا (۱۳۸۳) "پژوهش عملیاتی پیشرفته"، انتشارات کتاب دانشگاهی، چاپ اول.
* AICPA (2005). Audit committee financial expertise considerations. The AICPA audit committee toolkit. New York: American Institute of Certified Public Accountants. AvailableHttp://www.aicpa.org/audcommctr/toolkitsnpo/finacialexpertise.htm
* AICPA (American Institute of Certified Public Accountants). (2004). SEC Final Rule on Audit Committee Financial Experts. [Online] http://www.aicpa.org/audcommctr/
* Bradbury, M., (1990), The incentives for voluntary audit committee formation, Journal of Accounting and Public Policy, Vol.9, Iss.1, pp. 13-36.
* Chaka, M. M. (2013). An evaluation of the effectiveness of the audit committee in the Westonaria Local Municipality (Doctoral dissertation).
* Chan, K. C., & Li, J. (2008). Audit committee and firm value: evidence on outside top executives as expert-independent directors. Corporate Governance: An International Review, 16(1), 16-31.
* Ghodsipour, S. H. (2002). Issues in Multi-criteria Decision Making, Amir Kabir University Press, Fifth Edition.(in persian)
* Green, D., (1994). Canadian audit committees and their contribution to corporate governance, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Vol.3, Iss.2, pp.135-151.

Archive of SID
www.SID.ir

یادداشت‌ها

[1] Grounded Theory (GT)
[2]DEMATEL
[3]ANP
[4]MM Chaka
[5]Van der Nest
[6]Marx
[7]Fama
[8]Rahman & Ali
[9]Trayler
[10]Grounded Theory (GT)
[11]Gabriel
[12]McMullen& Raghunandan
[13]Song& Windram
[14]Green
[15]CICA, 1992: 20
[16]Marian
[17]Richard
[18]Jensen
[19]Bradbury
[20]Kalbers & Fogarty
[21]Mir and Rouen
[22]Stewardship (Monitoring) Hypothesis.
[23]Madahi
[24]Isurance Hypothesis
[25]Madahi
[26]Stakeholder Theory
[27]Freeman
[28]Emerson Wagner et al
[29]Normand Ouellet
[30]Idris Adamu Alhaji
[31]Njorge, Ssmwel Ndirangu
[32]Jagan Krishnan
[33]Jong Eun Lee
[34]Stephen Asare
[35] Bédard and Grndron
[36]Fontela
[37]Gabus
[38] Hung-yi mu
[39]Analytic Network Process
[40]Garcia melon
[41]Saaty
[42]Causal Diagram
[43]NRM

* Hasas, Y. & Madahi A. (2009) The Effectiveness of the Audit Process in Detecting Major Mistakes and Distortions in Auditing. (in persian)
* Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. Journal of financial economics, 3(4), 305-360.
* Jensen, R. (1982). The competition in auditing: An assessment–a discussion. In Fourth Symposium on Auditing Research. pp. 452-466.
* Julia Yonghua WuAudit (2012) Committee Effectiveness- from the Perspective of Audit Committee Membersin New Zealand Listed CompaniesLincoln University.
* Kalbers, L. P. (1992). An examination of the relationship between audit committees and external auditors. Ohio CPA Journal, 51, 19-19.
* Kalbers, L. P. (1992). Audit committees and internal auditors. Internal Auditor, 49(6), 37-45.
* Kalbers, L. P., & Fogarty, T. J. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of the contribution of power. Auditing, 12(1), 24.
* Marx, B. (2008). An analysis of the development, status and functioning of audit committees at large listed companies in South Africa (Doctoral dissertation, University of Johannesburg).
* McMullen, D. A., & Raghunandan, K. (1996). Enhancing audit committee effectiveness. Journal of Accountancy, 182(2). 79-81.
* Mehregan, M. R. (2004) Advanced Operational Research, Academic Publishing, First Edition. (in persian)
* Rahman, R. and Ali, F.H.M. (2006), Board, audit committee, culture and earnings management: Malaysian evidence, Managerial Auditing Journal, Vol. 21 No. 7, pp. 783-804.
* Samuel, G. (2012). Attributes oF audit committee members and quality of financial reporting in banks in Nigeria (Doctoral dissertation).
* Song, J., & Windram, B. (2004). Benchmarking audit committee effectiveness in financial reporting. International Journal of Auditing, 8(3), 195-205.
* Trayler, R. (2007). A survey of corporate governance in banking: characteristics of the top 100 world banks. Corporate governance in banking: A global perspective. Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham, 184-205.
* Van der Nest, D. P., & Erasmus, L. J. (2013). The reporting of performance information by South African national government departments: An adequacy analysis. Tékhne, 11(1), 28-40.

Archive of SID

www.SID.ir